



سرشناسه :	گمارین، پریسا، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور :	کمال از دیدگاه تفکر شرقی در عکاسی/ مولف پریسا گمارین.
مشخصات نشر :	تهران: انتشارات راه دکتری: ستیجش و دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :	۱۱۲ص.
شابک :	۲۰۰۰۰۰ ریال-90-8641-600-978 :
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	فلسوفان اسلامی -- دیدگاه درباره هنر
موضوع :	Muslim philosophers -- Views on art
موضوع :	هنر -- فلسفه
موضوع :	Art -- Philosophy
موضوع :	عکاسی -- فلسفه
موضوع :	Photography -- Philosophy
رده بندی کنگره :	BBR۵۵ /۰۸۶۸۸ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی :	۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی :	۴۶۸۳۲

کمال از دیدگاه تفکر شرقی در عکاسی

پروفسور گماریان

انتشارات راه دکتری (همکار سنجش و دانش)

۵۰۰ نسخه

۱۳۹۵-۱ اول

۹۷۸-۶۰۰-۸۶۴۱-۹۰-۲

مؤلف:

ناشر:

تیراژ:

نوبت چاپ:

شابک:

کپی حقوق مادی و معنوی را برای این مؤلف محفوظ می‌باشد

آیا عکاسی را باید در زمره هنر هنرمندان دانست یا صنعت صنعتگران، یا هر دوی این مفاهیم را در بر می‌گیرد؟ آیا عکاسی می‌تواند همانند سایر هنرها همچون تئاتر، نقاشی، موسیقی و... دارای کمالاتی باشد که در نهایت انسان را به تعالی و واجب الوجود نزدیک سازد؟

به راستی که مدیم عکاسی به عنوان یک هنر و یک رسانه می‌تواند واجب تکامل ذهنی هنرمند (عکاس) و مخاطبان بسیار شود، لذا متن این رساله قصد دارد در امری موشکافانه به دیدگاه کمال‌گرایان که به نظر بیان‌کننده نظریه ایده آلیسم است - بپردازد. از این رو رهیافت جستجوگرانه آن نیاز به بررسی تون قلم و جدید، با نگاهی وام‌گیرنده از فلاسفه ایرانی و فلاسفه اسلامی و تبیین انواع علوم فلسفه دارد. همین‌ا در سبب شد تا به پژوهشی تحقیقی - تطبیقی در باب فلسفه‌های کلام، مشاء، اشراق، عرفان و لاجرم حکمت متعالی بپردازیم و ارتباط آن را در فصلی مجزا به عکاسی و عکاسان کمال‌یافته دوران خود نسبت دهیم. این بیان‌نامه مجالتی است برای دریافت کمال در عکس و عکاسی از دیدگاه کاملاً شرقی.

کلمات کلیدی:

فلسفه - شرق - علم‌المشاء - علم‌الاشراق - علم‌الكلام - کمال‌گرایی - نور

مقدمه.....	۹
فصل اول.....	۱۱
گفتار اول.....	۱۲
هنر چیست؟.....	۱۲
مفهوم‌شناسی هنر.....	۱۳
گفتار دوم.....	۲۱
هنرمند کیست؟.....	۲۱
جایگاه هنر در فضای معاصر.....	۲۲
گفتار سوم.....	۲۷
اثر هنری (بحثی بر مبنای اثر هنری).....	۲۷
زیبایی‌شناسی در آثار هنرمندان.....	۲۸
فصل دوم.....	۳۱
علم کلام و فلسفه الهی.....	۳۳
گفتار دوم.....	۳۶
هنر از دیدگاه علم المشاء.....	۳۶
هنر و علم مشاء.....	۳۷
گفتار سوم.....	۴۲
هنر از دیدگاه حکمت سهروردی.....	۴۲
(اشراق) و تاثیر آن بر هنرمندان زمان خود.....	۴۲
حکمت اشراق.....	۴۳
گفتار چهارم.....	۴۸
گفتار پنجم.....	۵۲
حکمت متعالیه چیست؟.....	۵۳
فصل سوم.....	۵۸
گفتار اول.....	۵۹
نور و عکاسی.....	۶۰
گفتار دوم.....	۷۰

۷۷	گفتار سوم.....
۷۸	کمال؛ هنرمند و مخاطب.....
۸۳	نتیجه‌گیری.....
۸۵	فصل چهارم.....
۸۶	پروژه عملی: عکاسی طبیعت.....
۱۰۶	فهرست منابع:.....

www.ketab.ir

بی‌تردید فلسفه می‌تواند در باب عکاسی تأمل و تعمق داشته باشد؛ هر چند این هنر، فلسفه را در پیوند با مباحثی در باب سرشت واقعیت در موقعیتی گمراه‌کننده قرار می‌دهد که بیش از پیش به واسطه تصاویر درک و دریافت می‌شود؛ تصاویر ذهنی و خیالی، که با فلسفه در یادآوری بصری و بی‌واسطه اطلاعات تلاقی و اشتراک دارد، جایگاه بنیادینی در اندیشه معاصر به ویژه از طریق روانکاوی و زبان‌شناسی اشغال می‌کند. عکسی که آشکارا «شفاف» است، نگاه تفسیرگر را هم به سوی تماشاگر و هم آبه تماشایی برمی‌گرداند و به‌زعم خود، بدل به گرانیگاه تنگنای میان تصویر و اندیشه می‌شود.

فلسفه همواره در باب هم چیز، حرفی برای گفتن ندارد، پس موظف به تفسیر هر آنچه در جهان رخ می‌دهد نیست و زمانی پس از ولادت رشته‌ای علمی به شمار نمی‌آمده است. بنابراین شاید تعجب‌آور به نظر برسد که رساله درباره عکاسی در سال ۱۹۳۸ در عکاسی در برگیرنده اندیشه‌هایی در باب نسبت فلسفه و عکاسی باشد؛ توجیه می‌تواند آن باشد. اختراع عکاسی شرایطی برای نوع تازه‌ای از نگاه و شیوه‌های جدیدی از دیدن خلق کرده است و فلسفه هم به‌طور همزمان از همه، دغدغه تحلیل شیوه‌های دیدن ما، یا اگر تعبیر کانتی آن را به کار بندیم، شرایط بازنمایی را دارد. این ظهور انواع تازه تصاویر و شیوه‌های جدید دیدن، بی‌واسطه و بی‌درنگ بر فیلسوفان آشکار نشانی می‌ساخت که متون فلسفی مقارن با ابداع عکاسی را مرور می‌کنیم، با کمال شگفتی درمی‌یابیم که فیلسوفان هرگز نسبت به تصاویر را رها نکرده‌اند و هر چند اندک به آن پرداخته‌اند؛ آن هم در شرایطی که این اختراع جدید در حال تأثیرگذاری بر هنرمندان، نویسندگان، شاعران و البته خود عکاسان بوده است.

این تأخیر در «بازتاب» و بازاندیشی پدیده عکاسی، به معنای دقیق کلمه، مطالعه و توجه به پیشینه موضوع را بی‌اعتبار نمی‌سازد و شرم‌آورتر از تأخیر و تعلل تاریخ‌نویسان هنر و منتقدان در درک اهمیت تغییراتی نیست که عکاسی در حال پدید آوردن آنها در دنیای هنر بوده است. هنرمندان درست پیش از آنکه متخصصان هنر دریاوند چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است، نظام پایه و

تقسیم‌بندی هنرها را واژگون کردند. به عقیده نگارنده، یک رویکرد فرامعنایی به این رخداد، متضمن ملاحظه سه مرحله است؛ نخست، مرور شیوه‌هایی که فیلسوفان با تمسک به آنها به عکاسی رو کرده‌اند، که همپای تفرق و پراکندگی آن می‌تواند کوتاه و موجز باشد. از این آغازگاه، می‌توانیم ویژگی‌های تصویر عکاسانه و شیوه نگاه را از منظر دانش واژگان مفهومی مورد مطالعه قرار دهیم. در این مرحله آشکار می‌شود که بیشتر رویکردها نشان از نوعی سرگشتگی دائم از تلقی میان مماتله و خبرگی دارند. اگر در این مرحله توقف کنیم، با دریافتی پندارگرا بر جا خواهیم ماند که در آن فلسفه از تاثیر زمان، فن، و حتی شرایط گفتار خود، ایمن می‌ماند. در یک کلام، این دلیل اهمیت تلاش برای ارزیابی تأثیرات عکاسی بر اندیشه فلسفی است. هر کوششی ره به دور می‌برد. آنچه درباره اشیا می‌گوییم و چنانچه مرادمان آنها باشند، باید متقابلاً از خود آن اشیا متاثر شود و با احترام به گفته میشل فوکو، نظم سخن نمونه به شکل ناآگاهانه‌ای، داغ نظم دگرگون‌شونده اشیا را بر خود دارد. حداقل کاری که فیلسوف می‌تواند انجام دهد، به حساب آوردن آن است، هر چند با تاخیر.

از سوی دیگر، رویکرد این رساله جنبه‌ای به سلف حکمت شرقی نظر دارد و این منظر راه به جایی نمی‌برد مگر آنکه از تجربیات و نظریات مختلف فلاسفه شرقی و به خصوص ایرانی استفاده شود. و چه بهتر آنکه موارد مطالعاتی و تحقیقاتی این مجال از منظر استاد شهیر سیدحسین نصر که فیلسوف مسلط بر فلسفه اسلامی و شرقی است، نشأت پذیرد. نکته‌ای است که با بررسی اجمالی بر روی حکمای فلسفه ایرانی به نتایجی ارزنده دست یازیده است که می‌توان با انطباق، رویکردهای هنری و عکاسی به نتایجی در باب کمال در عکاسی برسیم.